



«فروهر پاک پیروز،
ستاره‌ی رایومندی و فرهمندی
آسمان ایرانزمین را می‌ساییم،
که بر رهبردیوان چیره‌گشت
و او را در هم سکاند!
رهبردیوانی که اهریمن برانگیخت،
بدان امید می‌که ایرانزمین را نابود سازد!»

suren-pahlav.com

در روز ۲۳ آگوست ۶۵۱ میلادی، پیروز نهاوندی، آزادمرد و مبارز بزرگ ایرانزمین که بخونخواهی هم میهنانش پیا خاسته بود سرانجام بدست تازیان متجاوز به خاک ایران به گواکی [شهادت] رسید. برخی از منابع تاریخی براین باورند که او یک "موبد" و نیز "سپاهی" و عضویکی از خاندان های اشرافی ساسانی بوده است.

پیروز نهاوندی که بدو همدانی نیز گفته می شود، پس از جنگ نهاوند که تازیان آن را "پیروزی پیروزیها" (فتحالفتوح) نامیدند، به اسارت و بردگی فروخته شد. پیروز پس از اسارت به مغ ره بن شعبه، والی بصره فروخته شد و بخاطر آنکه به درودگری و نگارگری آشنا و صاحب دستانی قدرتمند و درعین حال هنرمند بود، مغ ره او را "ابولولو" خواند. طبری در کتابش از مغیره نقل می کند که هر زمانی که پیروز اسیران خردسال ایرانی را می دیده است، می گریست و با خود می گفته است:

"شماها در این سنین لطیف و تُرد به بردگی کشیده شده اید و اینرا عمر میبیند. [عمر] قلب مرا می خورد، [سوگند] که قلبش را در می آورم".

کشتن عمر بن الخطاب به خونخواهی ایرانیان

طبری می نویسد، عمر بن الخطاب دستور داده بود که هیچ اسیر ایرانی بزرگسال، پروانه ورود به مدینه را ندارد. بدینروی، پیروز برای ورود به مدینه و نزدیک شدن به عمر، مغ ره را قانع می سازد تا او را به عمر معرفی و تقدیم کند. بدین خدعه، پیروز در مدینه سکنی گزیده و به عمر نزدیک می شود.

پیروز برای گرفتن انتقام خود از رهبر تازیان، بامداد روز ۱۵ آبانماه (۶ نوامبر ۶۴۴ میلادی) به مسجدی که عمر در آن نماز بامدادی را بجای می آورد رفته و با وارد آوردن شش ضربه خنجر او را از پای در می آورد. نیز در هنگام گریز یازده تن دیگر از تازیان را زخمی و شش تن را از پای در می آورد.

بدینگونه پیروز، دو سال پس از وحشیگری های تازیان و کشتار ایرانیان در نهاوند، سرانجام انتقام هزاران هزار ایرانی مورد ظلم و ستم تازیان متجاوز را با تلف نمودن رهبرشان گرفت. او پس از کشتن عمر به فلات مرکزی ایران و از شهر به شهر دیگری گریخت تا سرانجام در کاشان سکنی گزید! تازیان بخونخواهی عمر، به جستجویش رفته و پس از هفت سال او را پیدا و با همان خنجر که عمر را کشته بود، به شهادت میرسانندش.

البته داستان های گوناگونی در این مورد وجود دارد، ولی بدون هیچ شکی، عمر بدست پیروز و با همکاری سپهبد فیروزان و یک رومی کشته شده و یک ترور سیاسی و از روی میهنپرستی انجام شده بود - و مساله دین و فرقه های اسلامی همچون شیعه و سنی در میان نبوده است.

آیا پیروز یک مسلمان و شیعه بود؟

اکثر شیعیان بویژه ایرانیان مدعی می شوند که یک او یک مسلمان و شیعه بوده و بدینروی هم عمر را کشته است. ولی این ادعا بدون هیچ گمانی یک افسانه و دروغ می باشد، به دو شوند [علت]:

نخست، "المجوسی" پسوند نام اوست که در منابع تاریخی، بزبان عربی ضبط شده است. واژه "المجوسی"، ویژه ایرانیان زرتشتی بکار میرفته است نه ایرانیان مسلمان شده که تازیان بدانان "موالی" و یا "عجمی" می گفتند.

دوم و مهمترین شوند، تاریخ کشتن عمر است. زیرا در سال ۲۳ هجری که پیروز عمر را بسزای اعمال وحشیانه اش رساند، هنوز جنگ و اختلافات میان هواداران خلافت علی ابن ابیطالب و دیگر خلفا در نگرفته بود.^[1] جنگ شیعه و سنی پس از رخداد عاشورا در روز ۲۱ مهرماه ۵۹ خورشیدی (۱۳ اکتبر ۶۸۰ میلادی)، بگفته ای بسیار ساده تر، ۳۶ سال پس از کشتن عمر آغاز گشته بود.^[2] بنابراین، شیعه خواندن پیروز دروغی بیش نیست و بدون هیچ گمانی، او یک میهنپرست راستین بود که هرگز تن به پذیرش دین تازیان نداد و سرانجام جان خویش را بخونخواهی هم میهنانش فدا ساخت.

در هر روی، پیروزها و هزاران هزار شیرمرد و شیرزن آزاده ایرانی در مبارزه با تازیان جان خود را از دست دادند تا سرانجام ایرانمان را از چنگال بیگانگان رها نمودند، ولی شوربختانه امروز باری دیگر ایرانمان در چنگال تازیان است، با این تفاوت که نه یک عمر، بلکه هزاران عمر، ایرانمان را به سوی نابودی پیش می برند و اگر امروز همه ما پیروز نهاوندی نشویم، ایرانی باقی نخواهد گذارد تا آزادش سازیم.

روان پاکِ میهنپرستش شاد، یادش گرامی، راهش پر رهرو و رهروانش پیروزباد.

شاپور سورنپهلو

۳۱ مرداد ۱۳۸۶

۲۳ اوت ۲۰۱۳

پی نوشته ها

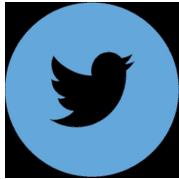
رونوشت این یادداشت به زبان انگلیسی در تارنمای کانون پژوهش های ایران باستان (دانشکده مطالعات خاوری و آفریقایی دانشگاه لندن) در دسترس می باشد:

August 23rd: The Anniversary Martyrdom of Persian freedom fighter

Piruz-e Nahavandi (Firuzan) – <http://tinyurl.com/kzlcc8f>

1 – Lapidus, I., "A History of Islamic Societies", Cambridge University Press (2002), p. 47

2 – Jafri, S.H. M., "The Origin and Early Development of Shi'a Islam", Oxford University Press, 2002, p. 6



پروز نهاوندی، جانباز راه ایرانزمین

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۸۶ ساعت ۱۰:۰۵

#419ab3

□